

یادداشت روزنامه‌نگار مستعفی

ملافه‌های قطارهای رجا



لیلی فرهادپور

● «لورا اسکویبول»، نویسنده مکزیکی، در ایران و جهان با رمان «مثل آب برای شکلات» شناخته شده است. کسانی که کتاب را نخونده اند، احتمالا فیلمی را که از روی آن ساخته شده است، دیده‌اند. «مثل آب برای شکلات» داستانی در سبک رئالیسم جادویی است که در آشپزخانه می‌گذرد و درباره عشق و غذاست. اما من کتاب دیگر این نویسنده را بیشتر دوست دارم: «لحظه‌ای ست رویدن عشق!» (لورا اسکویبول؛ ترجمه آذر عالی‌پور، نشر روشنگران)؛ قهرمان این داستان یک بیسیم‌چی است که زندگی‌اش را به روایت دخترش می‌خوانیم. راوی خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «شمال را احساس می‌نمایم. بایند و ماندگارت می‌نماید. هر اندازه که از جادبه‌اش قرار نمایی قدرت و نیروی نامرئی دوباره و مجدد تو را به سمت خویش می‌کشاند. همانند قطرات باران به زمین... اجداد من همگی اهل شمال هستند؛ جایی که نخستین نگاه عاشقانه میان پدربزرگ و مادربزرگ رد و بدل شد و گذشت... تا من گام به عرصه هستی گذارم بدون هیچ راه بازگشتی.» گام من هم هنوز شمال هستم، در پی گردشگری‌های فرهنگی‌ام و بازی در یک فیلم سینمایی که صدایش به‌زودی درمی‌آید! وقتی که کارت سینما نباشد و در سینما توریست به حساب بیایی، این طبیعی است که وسط فیلم‌برداری هر وقت که «آف» بودی بلند شوی و خودت را به تهران دوازده برسانی و بدو برگردی. ساری قطار دارد و باز هم طبیعی است که در این‌دوران به‌دره‌افتادن پی‌درپی اتوبوس و تاکسیرهای همیشگی هواپیما، مسافرت با قطار را ترجیح بدهی (بگذریم از صرفه اقتصادی‌اش). این را داشته باشید تا دوباره برگردیم به کتاب اسکویبول. راوی، این داستان در نظر دارد برای پدر پیر و آرزیمیری‌اش که تلفنچی بوده و مورش بلد بوده، از طریق کامپیوتر امکان ارتباط پیدا کند. اما در جایی در این داستان راوی به نکته‌ای اشاره می‌کند که دستمایه این یادداشت من شده است؛ راوی توصیف می‌کند که چگونه در دوران جوانی او، دستگاه‌ها را فقط باید روشن یا خاموش می‌کردند؛ مثلا تلویزیون را روشن می‌کردیم و بعد خاموش. تکه روشن‌کردن ماشین لباس‌شویی را می‌زدیم و بعد تکه خاموش و الا آخر. اما حالا برای هر کاری باید کلی برنامه‌ریزی کنیم. تلویزیون، ماشین لباس‌شویی و ظرف‌شویی و حتی جاروبرقی را باید اول درست تنظیم کرد، کلی بالا و پایین کرد و به آن برنامه داد تا درست کار کنند. حالا حکایت من است و خرید اینترنتی بلیت قطار تهران به ساری تا شب را با خیال راحت بخواهم و صبح جلوی دوربین بروم. من که مانند جوانی‌های قهرمان رمان اسکویبول نسل خاموش و روشن هستم. با یکی‌دو کلیک، خیال کردم به‌راحتی یک بلیت عادی قطار خریدم؛ غافل از اینکه برای راحتی‌ام در قطار، باید قسمت کوپه خواهران را فعال می‌کردم و به آیتم شش‌تخته‌بودن یا چهارتخته‌بودن کوپه هم البته توجه می‌کردم. وقتی فهمیدم که دیگر دیر شده بود، این و آن به من گفتند که مهم نیست؛ اگر مشکلی پیش آمد به رئیس قطار بگو حلتش می‌کند. به یاد عید امسال افتادم که با یک گروه دانشجوی فرانسوی-ایرانی برای بازی در فیلم کوتاهشان با قطار به یزد رفتیم. آن‌قدر این رئیس قطار به این گروه شش نفری لطف داشت که نگو. دستور داد کمک کنند تا تمام بارونبندیل سنگین در کوپه‌های خالی و میهماندار جا شود، یکی از میزهای رستوران قطار، قشنگ تبدیل به میز کار اینان شده بود و تمام همراهان فرانسوی از اینکه این‌قدر در ایران به سینما احترام گذاشته می‌شود، در شگفت بودند. فقط تنها مشکل این بود که ما ملافه‌های کوپه را کامل پس نداده بودیم و باید می‌گشتیم و لایه‌لای وسایل آنها را پیدا می‌کردیم. برگردیم به برگشتن من به ساری. چشمان روز بد نبیند؛ کوپه من با چهار تا همسفر آقا و یک زن حامله و شوهرش، شوکه‌آور بود. بدتر اینکه آقای شوهر اصرار داشت رویه‌های خانم باردارش در تخت پایین بخواهد، بنابراین من باید می‌رفتم طبقه وسط که عین قبر بود. با اطمینان از خالی‌بودن کوپه دست راستی (که فقط یک آقا در آن بود) مشکل را به رئیس قطار گفتم و اینکه فردا صبح ساعت پنج برای فیلم‌برداری آفیش هستم. اما برخلاف تجربه قبلی، رئیس جوان این قطار (که از اول همه میهمانداران درباره سختگیری‌اش حرف می‌زدند) مخالفت شدید کرد که طبق قانون نمی‌شود و ممکن است وسط راه مسافر داشته باشیم. من هاج‌بواج تصمیم گرفتم به بارونبندیلم در راه‌فرار تا صبح پایستم (قطار رستوران من نداشت!) مسافران کوپه دست‌چیپی دلشان سوخت. یک خانواده بودند. رئیس قطار که رفت تنها مرد خانواده به من گفت که بروم در کوپه آنها بخواهم و خودش رفت در آن کوپه یک‌مسافره و گفت جواب رئیس قطار با او. هنوز صبح زده بود که به ساری رسیدیم و میهمانانم صبح پایستم (قطار رستوران من جابه‌جا شدیم. اعتراضی نکرد چون ملافه‌ها را صحیح و سالم تحویل دادم. البته دفعات بعد در هنگام خرید بلیت قطار مواظب کلیک‌کردن‌ها و توجه به تمام آتیم‌های خرید، راهگشا شد و دیگر مشکلی پیش نیامد و قطار بهترین وسیله سفر شد، البته به شرط آنکه مواظب ملافه‌ها باشیم!

فرانک آرتا؛ محسن امیریوسفی، کارگردان سینمای ایران، برای بار پنجم

فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» را به‌جشنواره فیلم فجر برای داوری تحویل داد. این کارگردان پرتلاش که باوجود ساخت فیلم‌های کم، رگودر بیشترین تعداد فیلم توقیف‌شده را در کارنامه هنری خود به ثبت رسانده است، ظاهرا با همه مشکلات و موانع از اکران فیلم سینمایی «آشغال‌های دوست‌داشتنی» ناامید نشده است. در ماه‌های گذشته فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» بعد از پنج سال نه‌تنها رفع توقیف شد، بلکه توانست پروانه نمایش رسمی وزارت ارشاد را دریافت کند. محسن امیریوسفی در گفت‌وگو با «شرق» ضمن تأیید خبر فوق توضیح داد: «فیلم آشغال‌های دوست‌داشتنی در چهار دوره جشنواره فیلم فجر به‌دلیل نداشتن پروانه نمایش از شرکت در این

حواشی حضور ناصر ملک‌مطیعی در تلویزیون

بهناز شیربانی؛ قرار بود ناصر ملک‌مطیعی پس از سال‌ها از قلاب تلویزیون با طرفدارانش صحبت کند. این خبر از ساعات ابتدایی روز چهارشنبه هفته گذشته به‌واسطه صفحات مجازی دست‌به‌دست شد و بسیاری از خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مکتوب به آن پرداختند. حضور این بازیگر پیش‌کسوت پس از سال‌ها در رسانه ملی به اندازه وسعت انتشار خبرش، غافلگیرکننده و جذاب بود. حضور ناصر ملک‌مطیعی در برنامه «دورهمی» و گفت‌وگویش با مهران مدیری به‌سرعت خبرساز شد و هم‌زمان با این خبر، حضورش در برنامه‌ای دیگر با عنوان «من و شما» نیز توجهات بسیاری را به ویژه برنامه‌های شب پلدا در رسانه ملی و تغییر رویکرد این رسانه مبنی‌بر حضور بازیگری که سال‌ها در قلاب تلویزیون دیده نشده است جلب کرد و طبعاً بینندگان مشتاق تلویزیون پیگیر و علاقه‌مند حضور ناصر ملک‌مطیعی و شنیدن صحبت‌هایش بودند. گویا بخش ویژه برنامه «من و شما» به‌جای پخش در روز جمعه به چهارشنبه منتقل شد و قرار بود این برنامه زودتر از برنامه «دورهمی» روی آنتن برسد، اما این برنامه که قرار نبود با حضور ناصر ملک‌مطیعی و علی پروین، از شبکه شما پخش شود، لحظاتی پس از صحبت‌های ابتدایی مجری قطع شد و سپس، در زیرنویس تلویزیون اعلام شد که این برنامه، امشب به دلیل مشکل فنی پخش نمی‌شود. اما هادی قندی، تهیه‌کننده برنامه «من و شما»، به قطع این برنامه واکنش نشان داد. او با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش نوشت که خودش هم دلیل قطع برنامه را نمی‌داند.

قطعا کنجکاوی‌ها برای حضور ناصر ملک‌مطیعی به‌عنوان میهمان برنامه مهران مدیری جذاب‌تر بود، اما دقایقی پیش از آغاز زلزله تهران و در ابتدای پخش برنامه «دورهمی» و وقتی بسیاری نگاهشان به معرفی ناصر ملک‌مطیعی به‌عنوان میهمان برنامه بود، باز هم خبری از پخش گفت‌وگوی ملک‌مطیعی که به صورت تولیدی ضبط شده و آماده پخش بود، نشد. گمانه‌زنی‌ها بر سر اینکه به چه دلیل باوجود خبررسانی‌هایی که درباره حضور این بازیگر پیش‌کسوت در تلویزیون صورت گرفته و به‌نوعی اجازه حضور او در رسانه ملی صادر شده است، اما به‌ناگاه تلویزیون اقدام به قطع این دو برنامه در میانه‌های پخش کرد، بیان شد. چندساعت

به‌گفت‌وگو‌نشستیم.

🔪 **ظاهرا ایده اولیه ساخته‌شدن «در جستجوی فریده» از دل یک خبر روزنامه بیرون آمده.** به نکته‌ای در متن خبر شما را تحت‌تأثیر قرار داد که ماچرا را دنبال کردید و در نهایت فیلم مستند از آن ساختید؟

آزاده موسوی؛ چیزی که ما را جذب کرد، خود قصه فریده و کاراکتر او بود که ما را مطمئن می‌کرد می‌خواهیم این مستند را بسازیم. وقتی ویلای او را که پر از داستان زندگی و اشعار و کارهای روزمره‌اش بود، می‌خوانید، به جاذبیت‌های زندگی او پی بردیم؛ چون چه در سینمای مستند چه در سینمای داستانی، وقتی در مورد یک شخص حرف می‌زنی، خیلی مهم است که آن شخصیت خاص باشد و فریده هم از لحاظ قصه زندگی و هم از لحاظ شخصیتی برای ما خاص بود.

کوروش عطایی؛ ما چهار سال پیش از طریق خبر یک روزنامه با فریده آشنا شدیم. اینکه دختری ساکن هلند از هم‌وطنان ایرانی خود خواسته بود اگر نشانی از پدر و مادرش دارند، به او اطلاع دهند. ما نزدیک به دو سال فقط به شکل مجازی و از طریق اسکا‌پ با فریده در ارتباط بودیم و او در این مدت قصه زندگی‌اش را برپایمان می‌فرستاد.

آزاده موسوی؛ شاید مهم‌ترین نکته هم خواستن خود فریده بود. او خیلی دوست داشت سفری اتفاق بیفتد تا به ایران بیاید و ایران را بشناسد. ما این اشتیاق را در چشم‌های لرزان فریده وقتی از طریق اسکا‌پ با ما در ارتباط بود، خیلی واضح می‌دیدیم. اما به خاطر ترس و هراسی که بابت تبلیغات این روز‌ها در رسانه‌ها علیه ایران بود، جرئت انجام‌دادن آن را نداشت.

🔪 **دستاورهای ساخت مستند با توجه به اینکه سوزه اصلی شما هم خارج از کشور بود، باعث نشد که بخواهید از ساخت فیلم صرف‌نظر کنید؟**

موسوی؛ هیچ‌وقت به دست‌کشیدن از ایده فکر نکردیم. مهم‌ترین مشکل ما بخش مالی فیلم بود که باید بودجه مناسب را برای تولید تهیه می‌کردیم که تصمیم گرفتیم از طریق سرمایه‌گذاری مردمی (کراودفاندینگ) قسمتی از بودجه را تأمین کنیم و این پرسوه تأمین بودجه خودش تبدیل به یک پروژه پیچیده شد. اینکه مردم بر چه اساسی باید به ما کمک کنند آن هم در شرایطی که اصلا بازگشت مالی‌ای برای آنها ندارد. ما در دو سایت به نام «حامی‌جو» در ایران و «سینه‌کراود» در هلند پروژه خودمان را تعریف کردیم و در کمال تعجب نزدیک به ۳۰۰ نفر، به ما کمک مالی کردند که حدود ۱۰ میلیون تومان از سایت ایرانی و ۳۰ میلیون تومان از طریق سایت خارجی برای ساخت

هنر

«آشغال‌های دوست‌داشتنی» با مجوز نمایش به جشنواره فیلم فجر سلام کرد



جشنواره ملی بازنماد و حتی فرصت پیدا نکرد که هیئت انتخاب، فیلم را ببینند. اما امسال این فیلم پروانه نمایش رسمی دریافت کرده است. با توجه به این نکته و با نزدیک‌شدن به ایام جشنواره و اکران‌نشدن فیلم، ترجیح دادم فیلم خود را به جشنواره فیلم فجر ارائه دهم.» سیدجمال ساداتیان، عضو هیئت انتخاب سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر در پاسخ به این سؤال «شرق» که نظراتن درباره حضور فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» در جشنواره فیلم فجر چیست، گفت: «من هم به‌عنوان یک عضو خانواده سینما و هم یکی از اعضای هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر، درصورتی‌که این فیلم مراحل قانونی ثبت نام در جشنواره را طی کرده، خوشحال خواهم شد که هم بتواند در جشنواره حضور پیدا کند و هم رنگ پرده سینما را ببیند».

حواشی حضور ناصر ملک‌مطیعی در تلویزیون

برنامه خود دعوت کنند و به برنامه من و شما رودست بزنند!

عجیب‌تر آنکه مدیری پیشنهاد همکاری‌اش را می‌پذیرد و ملک‌مطیعی را به‌سرعت به برنامه خود دعوت می‌کند تا افتخار اولین حضور ملک‌مطیعی در تلویزیون به نام او و برنامه‌اش ثبت شود. عوامل برنامه من و شما که متوجه این ماجرا می‌شوند تصمیم می‌گیرند همان‌طور که پیش از مدیری، ملک‌مطیعی را به برنامه خود آوردند، با هماهنگی مدیران شبکه شما، برنامه خود را این هفته به طور استثنای جلو بینازند و روز چهارشنبه ساعت ۱۹ روی آنتن ببرند تا برنامه روز جمعه‌شان تحت‌تأثیر دورهمی قرار نگیرد. این بخشی از روایت این کانال خبری درباره حواشی حضور ناصر ملک‌مطیعی در تلویزیون بود. از سوی دیگر امرعلی ملک‌مطیعی، فرزند این بازیگر پیش‌کسوت، در بخشی از یادداشتش در واکنش به عدم پخش دو برنامه‌ای که ملک‌مطیعی در آنها حضور پیدا کرده بود، نوشت: «قرار بود که مصاحبه پدرم در برنامه (من و شما) و دیگر گفت‌وگویش در برنامه (دورهمی) از تلویزیون پخش شود، هر دو در یک روز الیته، که هیچ‌کدام پخش نشد، دلایلش را نمی‌دانم. عده‌ای گفتند که دلایلش، رقابت بین سازندگان این دو برنامه بوده، هرکدام خواسته‌اند اولین برنامه‌ای باشند که ناصر ملک‌مطیعی را به مخاطبان نشان می‌دهند، عده‌ای گفتند؛ حضور ملک‌مطیعی باعث پخش‌نشدن و متوقف‌شدن این دو برنامه شده، شایعات مختلفی هست و دلایل متعدد، دنبال دلایلش نیستم، دنبال آرزویم هستم، می‌خواهم به آرزویم برسم، من منتظم، هنوز هم پای تلویزیون نسته‌ام، خسته‌ام اما نمی‌خوایم، در انتظار دیدن پدرم هستم، مسئولان محترم صداوسیما! با احترام، از شما می‌خواهم تصویر و مصاحبه پدرم ناصر ملک‌مطیعی را پخش کنید!به غیر از من، طرفداران و دوستداران پیر و جوان پدرم هم، مثل من منتظرند. ما چشم به راهیم / لطفا همراهی کنید به همراهی و همایرتان بسیار خوش‌بینم و امیدوار...». حواشی چرایی عدم پخش دو برنامه‌ای که با حضور ناصر ملک‌مطیعی در تلویزیون ضبط شده بود، همچنان ادامه دارد و قطعا بسیاری دنبال پاسخ شفاف‌تری از رسانه ملی برای این پرسش و البته پیگیر پخش این دو برنامه هستند.

می‌شود. طبق کنداکتور رسمی تلویزیون، برنامه «من و شما» هر هفته، جمعه ساعت ۱۴ از شبکه شما پخش می‌شود. به همین خاطر ظلی‌پور و گروهش منتظر روز جمعه می‌مانند تا «آس» خود را رو کنند، اما در این میان اتفاق عجیبی رخ می‌دهد و آن هم اینکه خبر این ماجرا به گوش مشاور، دوست و همراه مهران مدیری می‌رسد و او در اقدامی غیرحرفه‌ای به مدیری پیشنهاد می‌دهد حالا که تا جمعه چندروزی باقی است و مجوز حضور ملک‌مطیعی در تلویزیون هم چند روز قبل صادر شده، بهتر است آنها سریع ملک‌مطیعی را به

پس از بحث‌هایی که در فضاهای مجازی و رسانه‌ها در مورد این اتفاق انجام شد، کانال برنامه کات از اتفاقات پشت‌پرده پخش‌نشدن این دو برنامه نوشت. طبق توضیحات این کانال خبری، ماجرا از این قرار بوده که آرش ظلی‌پور، مجری برنامه من و شما، چند روز پیش با همراهی عوامل برنامه‌اش، از مدیران تلویزیون مجوز حضور ناصر ملک‌مطیعی در تلویزیون را می‌گیرد. او سپس این بازیگر پیش‌کسوت را به برنامه‌اش دعوت می‌کند و ملک‌مطیعی دعوتش را می‌پذرد و به شبکه شما می‌رود. برنامه به طور کامل ضبط و آماده انتشار

سال‌هایی از زندگی‌اش را خوشبخت زندگی کند این مشکل ماست».

بهراد فراهانی؛ بازیگر پیش‌کسوت سینما و تئاتر، نیز در واکنش به این اتفاق با «شرق» گفت: «ناصر ملک‌مطیعی پدر سینمای ایران است و اگر ما این نامهربانی را در حق این مرد می‌کنیم مشکل از ماست، باید حرمت این مرد را داشته باشیم. آنچه که ناصر ملک‌مطیعی در شناسنامه‌اش دارد، هم شریف است، هم بالنده... اینکه تحت چه شرایطی و اعمال سیاست‌هایی، جلوی این شخصیت را گرفتیم و اگر نگذاشتیم

سال‌هایی از زندگی‌اش را خوشبخت زندگی کند این مشکل ماست».

گفت‌وگو با کارگردانان مستند «در جستجوی فریده» برگزیده جشنواره سینما - حقیقت

فیلم خوب و مهم تفاوت دارند



این فیلم جذب شد.

عطایی؛ این ماجرای کراودفاندینگ دو مزیت بزرگ برای ما داشت؛ یکی تأمین بخش مالی فیلم و مهم‌تر از آن پیداکردن حامی و هوادارانی برای فیلم که به ما نشان می‌داد حداقل ۳۰۰ نفر مخاطب بالقوه داریم که انگار فیلم را مال خودشان می‌دانند و من موقع نمایش فیلم در جشنواره هم‌امش نگران واکنش همین حامی‌های فیلم بودم که خوشبختانه لبخند رضایتی که بر لب داشتند، خیلی من را آرام کرد. چون این بخش سرمایه‌گذاری مردمی برای ما تبدیل به پروژه تمام‌وقت شده بود که مجبور بودیم برای آن تیزر بسازیم، آن تیزر را در سایت‌های مختلف نمایش دهیم، با سرمایه‌گذارها ارتباط برقرار کنیم و برای آنها اطلاعات لازم را درباره سروشکل فیلم توضیح دهیم.

🔪 **نگارش فیلم‌نامه چطور پیش رفت؟ چون در سینمای مستند معمولاً اتفاقات پیش‌بینی‌نشده‌ای می‌افتد که می‌تواند مسیر فیلم را تغییر دهد!**

موسوی؛ ما می‌دانستیم که باید از هلند شروع کنیم و از گذشته فریده و زندگی امروزی او اطلاعاتی به مخاطب بدهیم. همچنین می‌دانستیم که باید دقیقه ۲۰ یا ۲۵ یک نقطه‌عطف به وجود آوریم که همان سفر به ایران است و مهم‌ترین اتفاق فیلم محسوب می‌شود. **عطایی**؛ ما متربلان نوشتن فیلم‌نامه را از طریق همین قصه‌هایی که خود فریده از زندگی‌اش برای ما می‌نوشت و می‌فرستاد، به دست آوردیم. ما فقط برای طراحی بهتر فیلم‌نامه سعی کردیم بفهمیم فریده معمولاً در روز چگونه زندگی می‌کند. دوستانش چه کسانی هستند و تفریحاتش چیست. اما راجع به پایان فیلم سعی کردیم هر دو وجه قضیه را در نظر بگیریم و در نتیجه به دو سناریوی متفاوت فکر کردیم. اینکه اگر جواب آزمایش دی‌ان‌ای مثبت شود، روند فیلم چطور باید پیش برود و اگر جواب آزمایش منفی شود، باید به چه سمت و سویی برویم.

🔪 **یکی از سکانس‌های خوب فیلم که کاملاً با حس‌وحال درونی فریده هماهنگی دارد، صحنه‌ای است که فریده در هواپیما نشسته و در حال پرواز**

خشت و آینه

۴.قیصر (مسعود کیمیایی، ۱۳۴۸)

فاصله‌گیری از فرهنگ مسلط



رضا غیاث

● فیلم «قیصر» وجاهتش را در مقام یکی از پیشگامان موج نوین سینمای ایران چگونه به دست آورده است؟ کلیاتی نظیر این فیلم «مرثیه‌ای‌ست در رشای آرمان‌های رو به زوال طبقه‌ای از انسان ایرانی» یا «بیانیه‌ای در باب طغیان فردی اتجا که قانون و مدنیت قدمی برای احقاق حقوق لکدهال‌شدۀ آدمی بر نمی‌دارند»؛ زمانی به‌کارآمدنی‌اند که از حالت خبری به پرسشی تغییریشان دهیم؛ یعنی برسیم «قیصر» چگونه به مرثیه‌ای در رثای... یا بیانیه‌ای در باب... بدل شده است؟

اینجاست که توجه به جزئیات فرم فیلم در دستور کار قرار می‌گیرد و شگردهای تالیفی فیلم‌ساز واجد اهمیت می‌شوند. به‌خصوص مانند بهترین فیلم‌های تاریخ سینما، «قیصر» نیز حاوی صحنه‌هایی است که شگردهای تالیفی فیلم‌ساز را یکجا در خود نهفته دارند و با تمرکز روی یکی‌شان می‌توان جزئی را به‌مثابه کل در قالب یک یادداشت تحلیلی بررسی کرد.

گفت‌وگوی سه‌نفره قیصر (بهروز وثوقی) و مادر (ایران دفتری) و خان‌دایی (جمشید منشی‌بخ) بعد از کشته‌شدن کریم آب‌منکول، یکی از همین صحنه‌هاست. شب‌هنگام قیصر به محض ورود به حیاط خانه پدری با عنصری خارج قاب مواجه می‌شود. برش به نمای نقطه دید او صرفاً شگردی برای پیشبرد روایت نیست، بلکه دوربین سوژکتیو کیمیایی را نیز یادآور می‌شود، ما در بخش اعظمی از فیلم با زاویه دید قیصر به دنیا نگاه می‌کنیم.

در پیش‌زمینه نمای بعدی (یک لانگ‌شات سنجیده) قیصر را کنار حوض آب می‌بینیم و در پس‌زمینه مادر و خان‌دایی را روی ایوان خانه. متعاقب خم‌شدن قیصر به روی آب، دوربین کیمیایی نیز «خم» می‌شود تا مادر و خان‌دایی را از عالم واقع حذف و تصویرشان را بر سطح آب وارونه کند. قیصر به قصد راهی‌ا از التهاب درون، دست در آب می‌برد و تصویر وارونه مادر و خان‌دایی به تدریج محو می‌شود؛ این شگرد و معنا دارد؛ دوربین فیلم‌ساز به هر قیمتی در کنار و مخموراً قهرمانش خواهد ماند و دردسری که قیصر به آن دامن زده، هستی خانواده را نه‌تنها واژگون که رفته‌رفته ویران خواهد کرد.

ازاین‌رو حیرت و نگرانی مادر و خان‌دایی را در نماهای بعدی می‌توان به کلیت فیلم تعمیم داد. با نزدیک‌شدن قیصر- یا با حذف فاصله میان شخصیت‌های صحنه- گفت‌وگو آغاز می‌شود. اغلب درباره جنس گفت‌وگو در بهترین فیلم‌های کیمیایی نوشته‌اند اینها نه گفت‌وگو که صرفاً نوعی تک‌گویی‌اند؛ نوشته‌اند اساس نثرهای دراماتیک بر دیالوگ استوار است و مونولوگ با ذات آزادی‌خواه هنر سده ۲۰ همسویی ندارد، اما یک‌بار نرسیده‌اند گفتار دوسویه تا چه مایه با طریقت آدمی که به‌جای جواب دست به جاقو می‌برد مطابق است؟ حتی گفتار خان‌دایی که مدام بر دوری از خسونت تأکید دارد نیز تکه‌صداست. فرق او با قیصر در این است که اولی مدافع سکوت است و دومی بیکر انتقام. پس اینجا با آدم‌هایی طریقیم که مانند مابازای طبقاتی خود، یا حرف نمی‌زنند یا حرف خود را می‌زنند؛ شگردی درست برای بهره‌وری از عنصری بومی در فیلمی از سینمای ایران. ازاین‌رو مهم‌ترین ضغیی که برای قیصر برشمرده‌اند، ناخوابسته نقطه قوت آن است و تک‌گویی آتشین قیصر در این صحنه و صحنه‌های دیگر در غیاب عضوی هم‌صدا بر تنهایی او دلالت دارد و قدر مسلم این به معنای تأیید جملات قصار فیلم‌نامه‌های کیمیایی نیست، بلکه تبیین این نکته است که چگونه می‌توان با ترکیب زبان سینما و عناصر بومی به نتیجه‌ای ماندگار رسید.آ پیش از ساخته‌شدن قیصر، جز در شمار معدودی از فیلم‌های خاجیکیان، ساختمان فیلم‌های داستانی چندان جدی گرفته نمی‌شد. آنچه قیصر را فراتر از فیلم داستانی، به یک پیشگام بدل می‌کند، ترکیب کم‌وبیش درست عناصر بومی با زبان سینماست. این عناصر هرچا جنبه تزئینی نمی‌یابند (جزئیات معماری تهران قدیم) فاقد کارکرد و هرچا آشنانداایی می‌شوند کارکرد دراماتیک می‌یابند. علاوه بر جنس تک‌گویی‌های صحنه مذکور، به‌عنوان نمونه‌ای مشخص‌تر می‌توان روی یکی از نشانه‌های آشنای اوباش تهران قدیم - به حریف و حدیث‌هایی که در این دوره از جشنواره پیش آمد، به نظر بهتر است بخشی از جشنواره به مستندهای «پرتره سیاسی» اختصاص داده شود تا آن فیلم‌ها در بخش خاص خود مورد قضاوت قرار گیرند. چون تفاوت بزرگی میان یک فیلم مهم و یک فیلم خوب وجود دارد. آن فیلم‌های مهم که حتما هم باید ساخته شوند، ممکن است لزوما فیلم‌های خوبی نباشند اما در اینجا فیلمی که از مراسم افتتاحیه انصراف داده، ناگهان روزهای آخر جشنواره اکران می‌شود و جایزه بهترین فیلم را می‌گیرد و برای کارگردانش هم بزرگداشت برگزار می‌کنند!

ادامه در صفحه ۱۴